

نگاهی به عقدنامه‌های ۵۰۰ساله مشهد به‌مناسبت روز ازدواج

عقد زندگی بر اوراق تاریخ



سیده‌نقیعه زینبی| سفره عقد، قرآن و آب و آیینه، تور سفید و نقل و گل، کنار عطر گلاب و سپند با دنیادنیا خنده و شادی، این کلمات، روایت یک جشن عروسی ایرانی است که ریشه در آموزه‌های اسلامی دارد. عقدکنان و خواندن خطبه عقد و ثبت آن در دفاتر، بخشی از سنت ازدواج است که از گذشته وجود داشته است، اما سبک و سیاق

- مردم معمولی، عروسی معمولی‌تر

شاید برایتان سؤال باشد که عقدنامه‌ها در گذشته چگونه بود و در آن چه می‌نوشتند؟ باید گفت شکل قبale‌ها و قبالة‌نویسی در قدیم با امروز آن توفیر داشته است، عقدنامه‌های قدیمی، برخی به شکل طوماری و بعضی‌ها تک‌برگ، نقش می‌خورد و رنگی بود. ردیفی از ترنج‌ها، سبزه برگ‌ها و آفرابی گلبرگ‌های طرح‌های اسلیمی که یادگاری از رنگین‌کمان باغ‌های ایرانی بود، در حاشیه کاغذ این قبale‌ها، چشم را به تماشای زیبایی می‌کشاند، با این حال اسناد نشان می‌دهد که مردم هرچه عادی‌تر بوده‌اند، نوع عقدنامه‌شان هم معمولی‌تر بوده است. علاوه‌بر این، نقوش تزئینی این نوع عقدنامه‌ها از توجهِ خانواده‌های متمول به مسائل هنری حکایت دارد، موضوعی که در اسناد ازدواج مردم معمولی، کمتر به‌چشم می‌خورد. همچنین شکل، ابعاد، تعداد سطرها، نوع کاغذ و خط عقدنامه‌ها، براساس همان طبقه اجتماعی باهم فرق داشت، برای نمونه، مردم طبقات میانی و پایین جامعه، آنچه داشتند و نداشتند و لازم به نوشتن و ثبت کردن بود، در چند خط خلاصه و قید می‌کردند. برعکس این‌ گروه، خانواده‌های اعیانی و صاحب‌منصب، معمولاً به مسائل اقتصادی و حقوقی مانند حق طلاق و مسکن (که به‌نوعی منافع زن را تضمین می‌کرد) توجه می‌کردند. جالب است بدانید علما و روحانیان، دست‌اندرکاران آستان قدس رضوی، دربانان و دیوانیان، اطبا و تجار و زرگران از طبقات خاص اجتماعی بودند که نام‌ونشان حرفه‌شان در

عقدنامه‌هایشان ثبت می‌شد.

نکته دیگر اینکه در سیاهه قبale طبقه عوام، نشانی از عبارات‌های پرطمطراق ادبی و عناوین طولانی که برای زوجین طبقه اشراف و پدرانشان نوشته می‌شد، نیز دیده نمی‌شود. خبری از مهریه‌های مفصل مثل حبه چند پارچه آبادی و پشت قبale کردن باغ فلان دیار هم نیست. این موضوع سبب می‌شد عقدنامه طبقات متوسط به پایین، جمع‌وجور از کار دربیاید و خیلی‌وقت‌ها در یک برگ کاغذ جا بشود.

- سیاق عقدنامه‌های قدیم

در قبale‌های قدیمی، نوشتن به زبان ادبی کهن و استفاده از اصطلاحات و عبارات ثقیل، فهم بیشتر این اسناد را سخت می‌کند. انگار نمی‌توانستند به‌راحتی بگویند خانم فلان و آقای فلان، قرار است با این شرایط باهم وصلت کنند و لازم بود پیش وپس از اسم عروس و داماد، توصیفات آهنگین و قافیه‌دار برای خودشان و پدرانشان جایدهند تا معلوم شود که اشخاص صاحب‌عنوان با یکدیگر پیوند خورده‌اند. علاوه‌بر این، عقدنامه‌های قدیمی به چند بخش تقسیم می‌شد که نخستین آن‌ها، تسمیه (شروع سند با یکی از نام‌های خداوند که با ازدواج متناسب باشد) بود. تحمیدیه(حمد و ستایش خداوند) مرحله دوم بود و سپس مقدمه‌ای در اهمیت ازدواج با استناد به آیات و احادیث، زمان مناسب ازدواج، معرفی زوجین، مهریه، دعا در حق زوجین و تاریخ عقد، پشت‌سر هم ردیف می‌شد. برپایه این اسناد، اعیاد موجود

آن تاحدودی با امروز متفاوت بوده است. این نکته را عقدنامه‌های قدیمی موجود در آستان قدس و سیاهه درج‌شده بر روی آن‌ها گواهی می‌دهد؛ سیاهه‌ای که موضوع‌ها و مطالب آن، با توجه‌به طبقه و جایگاه اجتماعی عروس‌ها و دامادها، با یکدیگر فرق داشته است. ازدواج فرخنده حضرت علی^(ع) و حضرت فاطمه^(س) بهانه‌ای

در ماه‌های ذی‌الحجه، رجب، ذی‌القعدة، ربیع‌الثانی، جمادی‌الاول، ربیع‌الاول و شوال به‌ترتیب برای بستن عهد ازدواج بیشتر انتخاب می‌شدند. ماه‌های محرم و صفر و ایام شهادت ائمه^(ع) نیز برای این امر، محبوب نبود.

در درج بخش مالی عقدنامه‌ها، ازآنجاکه این موضوع تعارف‌بردار نبود، طرفین سادگی کاغذ را بیشتر می‌پسندیدند تا همه‌چیز در آن خوانا و مشخص باشد، به این شکل که خطاط(احتمالا از بزرگان جمع) از یک گوشه شروع به نوشتن می‌کرد و تا انتهای کاغذ یا طومار پیش می‌رفت. شهود ازدواج هم گوشه‌ای را در عقدنامه، پیدا و امضایشان را به‌عنوان گواهان پیوند، ثبت یا پای آن مهر می‌کردند.

- مهریه‌ای که از قدیم، مهم بوده است

مهریه، بخش مهم عقدنامه‌های قدیمی است که آن وقت‌ها، از زاویه چه کسی داده و چه کسی گرفته، به آن نگاه نمی‌کردند. معیشت و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در تعیین مهریه، اهمیت زیادی داشت و تفاوت‌دارایی خانواده‌ها بر مهریه عروس اثرگذار بود. از طلا و زمین بگیرید تا ظروف مسی و رختخواب، در این مهریه‌ها دیده می‌شود. نکته مهم مهریه‌ها هم واقعی بودن آن هاست و داماد چیزهایی را مهر عروس می‌کرد که امکان پرداخت آن را داشت. موضوع دیگر، حضور قرآن و آیینه‌وشمعدان در مهریه‌هاست که از



شده که به‌سراغ عقدنامه‌های به‌جامانده از ایران قدیم در مرکز اسناد آستان قدس رضوی برویم و برایتان از مهریه‌های گذشته بگوییم و شرایطی که مردمان صد تا پانصد سال قبل در عقدنامه‌ها درج می‌کردند. یکی از این شرایط، حق طلاق بوده است، حتی که برخلاف نظر خیلی‌ها، اصلا جدید نیست و تنها شامل نسل امروز نمی‌شود.



سند ازدواج محمد باقرخان افشار با ترلان خانم، ۱۲۴۰ خورشیدی

گذشته برای ما به یادگار مانده است.

همچنین قرآن، وجه نقد، طلا و جواهر، نقره، مس، چدن، عمارت(خانه، منزل، اتاق و هرگونه سازه‌ای)، اراضی، آب، آسیای بادی، قنات و چاه، فرش، ابریشم، رختخواب، لباس، کنیز و غلام، دام و شتر، درخت(درخت‌ثمر به‌ویژه گردو)، نمک، گندم، صندوق، آیینه‌وشمعدان و حتی اسلحه از آسیابی بود که در مهریه‌های قدیمی فراوان به‌چشم می‌خورد و خانواده داماد حبه عروس می‌کردند تا به خانه بخت برود. در این میان، هرقدر خانواده متمول‌تر بود، میزان مهریه نیز روپیمان‌تر بود. اعداد در مهریه هم به‌سیاق نوشته می‌شد تا جای هیچ اشتباه و شک و شبهه‌ای باقی نماند.

عقدنامه‌ای قاجاری با ۱۹۱ سال عمر



عقدنامه محمد علی، پسر بسیم‌بیک گرجی و شهربانو، دختر محمدباقر طبیب، یکی از سندهای قدیمی ازدواجی است که از عهد قاجار به‌جای مانده است. این عقدنامه در آذر ۱۲۱۱ خورشیدی (رجب ۱۲۴۸ قمری) تنظیم شده است و مهریه عروس، پول نقد، طلا، ظروف مسی، فرش قالی، نمد، یک دست رختخواب قلمکار و بیست رأس گوسفند، کنیز، ساختمان، زمین و آب و باغ است. شهربانوخانم با این شرایط به عقد دائمی داماد درمی‌آید و جالب است که حتی در حاشیه عقدنامه برای خود، وکیل معلوم می‌کند تا پس از مرگ، بخشی از مهریه‌اش را از همسرش بگیرند و برایش پانزده سال نماز و روزه قضا ادا کنند و پیکرش را نیز به عتبات‌عالیات ببرند تا آنجا دفن شود.

قباله ملاباشی آستان قدس



طبق اسناد ازدواج، آقامحمدشریف‌خان متولی، ملاباشی آستان قدس، با سلطان‌خانم‌دختر بیگلربیگی، پیوندداشته است. پانصد درهم، مهریه سلطان‌خانم بوده که ۲۴۰ سال‌پیش به‌عقد دائم آقای متولی درآمده است.

این زن و شوهر در دوره افشاریه می‌زیستند. نکته‌ای که از این عقدنامه برداشت می‌شود، اهمیت سنت حسنه ازدواج و روایت مربوط به آن است که در ابتدای عقدنامه آمده است. یکی از موضوعاتی که در سندهای دفترچه‌ای باورقه‌ای طولانی تکرار شده، همین است که در ابتدای سند، آیات و روایاتی مرتبط با ازدواج می‌آورند.

ازدواج‌ها چگونه ثبت می‌شده است؟

در دوره قاجار، دفتر شرعیات(دفاتری است که علمای برجسته پیش خودشان داشتند تا اتفاقاتی مانند خریدوفروش و اجازه و صلح و هبه و وکالت و ازدواج و طلاق و... را در آن ثبت کنند) اسناد ازدواج را ثبت می‌کرد و در دوره پهلوی، این توافق‌نامه‌ها در دفتر ثبت‌احوال و دفتر عدلیه، مهر ثبت می‌خورد.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت هفتادونهم)

حکایت میرزامحمدصادق و هفته‌نامه «خورشید»

مرضیه ترابی

۱۴مرداد سال ۱۲۸۵ خورشیدی، بالاخره مظفرالدین‌شاه کوتاه‌آمد و در برابر خواست ملت تسلیم شد و فرمان تأسیس دارالشورای ملی را صادر کرد. به این ترتیب، ایران از حدود ۱۷ سال قبل، صاحب مجلس و قوه‌مقننه شد، اما اگر فکر کرده‌اید در روند نهادینه شدن نظام مشروطیت، این اتفاق پایان راه بوده است، سخت در اشتباه هستید. مشروطه‌خواهان در وهله اول، گرفتار طرفداران استبداد و در وهله دوم، گرفتار تندروهایی شدند که به اسم مشروطیت، تیشه به ریشه آرمان‌های مردم می‌زدند، با این حال برخی دلسوزان و علاقه‌مندان به این جریان، آستین بالا زدند و به‌تدریج، نهاد‌های مدنی مبتنی‌بر حکومت مردم، در جامعه پا گرفت. در همین زمان بود که فعالیت مطبوعات، به‌عنوان یکی از ارکان دموکراسی، نیز شتاب و گسترش بیشتری پیدا کرد و به‌تدریج، افزون‌بر پایتخت، در دیگر شهرها نیز جراید طرفدار مشروطه‌خواهی، با رویکرد تنویر افکار عمومی، وارد میدان شدند. یکی از جراید مهمی که در مشهد عصر مشروطه منتشر شد و نقشی مهم در اطلاع‌رسانی آن دوره بازی کرد، هفته‌نامه «خورشید»، با مدیرمسئولی میرزامحمدصادق تیریزی، مشهور به «معتمدالسلطان، بود. نخستین شماره از این هفته‌نامه ۱۴ اسفند۱۲۸۵ به دست مردم مشهد رسید؛ در ایامی که مظفرالدین‌شاه قاجار به‌تازگی مرده بود و محمدعلی‌شاه، حکومت را در اختیار داشت و البته هنوز اختلاف میان او و مجلسی‌ها به‌حدی نرسیده بود که لیاخوف روس را برای به توپ بستن مجلس، راهی بهارستان کند. در این ایام، هفته‌نامه خورشید، ارکان انجمن معدلت رضوی -از انجمن‌های مشروطه‌خواه مشهور مشهد- بود و به‌صورت هفتگی، صورت‌جلسات این انجمن را منتشر می‌کرد، به همین دلیل، باید بایگانی این هفته‌نامه را یکی از بهترین منابع بررسی فعالیت انجمن معدلت رضوی در دوره فعالیتش بدانیم.

- کمی درباره معتمدالسلطان

قبل از آنکه بخواهم درباره فعالیت‌های هفته‌نامه خورشید و سرانجام آن برایتان صحبت کنم، ابتدا باید کمی درباره میرزامحمدصادق وزندگی او بدانید. چنان که از نام وی برمی‌آید، اصالتا از اهالی تبریز و از آذربایجانی‌هایی بود که در مشهد زندگی می‌کردند. میرزامحمدصادق، مدت‌ها کارمند و مدیر اداره پست بود، اما باید او را از پیشگامان فعالیت مطبوعاتی در شهر مشهد هم به‌شمار آوریم. وی با ادیب‌الممالک فراهانی، مؤسس روزنامه «ادب»-نخستین روزنامه تاریخ‌مشهد-مراوده داشت و در انتشار روزنامه، با ادیب‌الممالک شراکت و همکاری می‌کرد.

ادیب‌الممالک در شماره نخست روزنامه ادب، به این همکاری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «چون آقامیرزاصادق خان تیریزی، ناظم سابق پست‌خانه مبارکه خراسان، در این امر مقدس شریک و سهیم باالسویه است، از این تاریخ ایشان را معاون اداره دانسته و امیدواریم که آن‌شاء... با دستیاری چنین معاون محترم غیرتمندی، ازعهده خدمات شایسته وطن برآییم». با این حال فعالیت مطبوعاتی میرزامحمدصادق، پیش از انتشار هفته‌نامه خورشید، به‌کار در جریده ادب محدود نمی‌شد و او، در جریده «ترتیب»(با مدیریت میرزامحمدحسین فروغی) نیز، به نگارش مقاله می‌پرداخت. وی در مقالاتاش، روزنامه‌ها را زبان ملت می‌دانست و در آن‌ها از «آرزوی اتفاق و اتحاد مسلمین، رشد اقتصادی کشور و ارتقای سطح فرهنگ عمومی، سخن می‌گفت. میرزامحمدصادق خان، افزون‌بر انتشار روزنامه در فعالیت‌های فرهنگی، حضوری پررنگ داشت و در تأسیس نهادهای فرهنگی هم پیشگام بود. میرزا در مشهد، مدرسه و کتابخانه‌ای تأسیس کرد و درکنار افرادی مانند میرزاعبد الرحیم صراف -بنای مدرسه رحیمیه- و سیدحسین اردبیلی، به‌عنوان نخستین مؤسسان قرائت‌خانه و کتابخانه‌های عمومی که در آن‌ها جراید داخلی و خارجی نیز دراختیار مراجعان قرار می‌گرفت، مورد احترام فرهنگ‌دوستان شهیدی بود. میرزامحمدصادق، عضو حزب دموکرات بود و در روزنامه‌اش نیز، هم‌سو با اقدامات این حزب در خراسان، به درج مطلب می‌پرداخت.

- غروب و طلوع دوباره «خورشید»

گفتیم که نخستین شماره هفته‌نامه خورشید در ۱۴ اسفند۱۲۸۵ منتشر شد و یکی از فعالیت‌های همیشگی آن، انتشار صورت‌جلسات انجمن معدلت رضوی بود. این روزنامه برای انتشار مطالب ترقی‌خواهانه، بسیار تلاش می‌کرد. در بسیاری از شماره‌های آن، می‌شود نوشته‌هایی مرتبط با مباحث بهداشت و آموزش عمومی را دید که این‌خود، ریشه در نوع نگاه میرزامحمدصادق دارد، با این حال بعد از غلبه استبداد صغیر در تیرماه سال ۱۲۸۷ و به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی در تهران، میرزامحمدصادق که به‌دفاع از مشروطه‌خواهی مشهور بود، هدف حمله طرفداران استبداد در مشهد قرار گرفت. آن‌ها به دفتر هفته‌نامه، واقع در بالاخیابان، سرای ملک‌التجار (تقریباً روبه‌روی مدرسه علمیه نواب) ریختند و ضمن تخریب شدید وسایل دفتر، میرزامحمدصادق را به‌شدت مضروب کردند. اگر پادرمیانی برخی دوستان وی نبود، ای‌است همین هجوم به‌زندگی‌اش پایان داده می‌شد. میرزامحمدصادق به‌دنبال این حمله، مانند دیگر هواداران مشروطیت در مشهد، ناچار خانه‌نشین شد. از اینکه آیا او مانند سیدحسین اردبیلی، ملک‌الشعرا ی‌بهار، میرمرتضی‌روئین‌تن و... درخفا دست به فعالیت علیه استبداد می‌زد و به نگارش مقاله می‌پرداخت، اطلاع‌چندانی نداریم، اما با توجه‌به روابط گسترده‌وی با این افراد، فعالیت‌های میرزامحمدصادق در این عرصه نیز، دور از انتظار نیست. ظاهرا آسبایی که به او در جریان هجوم به‌دفتر روزنامه خورشیدوارد شد، عمیق بود، آن‌قدر که میرزامحمدصادق نتوانست تا اواخر ماه ۱۲۸۸ خورشیدی، یعنی حدود شش ماه پس از سقوط محمدعلی‌شاه و استبداد صغیر، کار هفته‌نامه خورشید را ازسر بگیرد، البته باید به این آسیب، محدودیت ناشی از حضور نیروهای روسیه تزاری در مشهد را که هوادار محمدعلی‌شاه بودند، نیز افزود. خبر انتشار دوباره هفته‌نامه خورشید را، روزنامه‌های طرفدار مشروطه و پایتخت و دیگر نقاط ایران با شور و شفع فراوان منتشر کردند. مؤیدالممالک، مدیر روزنامه «پلیس ایران»، در شماره ۳۸ خود، درباره انتشار دوباره هفته‌نامه خورشید چنین نوشت: «وعده وصل می‌دهد گردش آسمان مرا/ جریده فریده خورشید که در دوره مشروطیت صغیر، نوربخش خطه خراسان و سیستان بود، قریب به انفصال پارلمان و غلبه استبدادیان به‌واسطه هوای نفس جمعی آدم‌نما، توقیف و معطل مانده بود که چرا حق گفتی؟ تا این تاریخ که بجمدالله باب معارف گشوده شده، خورشید ما در مشرق خراسان در کمال زیندگی و درخشندگی طلوع نمود و به زیارتش موفق شدیم».

منبع: پژوهشی در عقدنامه‌های ازدواج دوره قاجار از مریم جواهری، دکتر الهه محبوب، رئیس اداره اسناد آستان قدس رضوی، در رسانه‌ها و اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

مجموع عقدنامه‌های مرکز اسناد آستان قدس رضوی؛

عقدنامه‌های دوره پهلوی اول

۳۶عقدنامه

عقدنامه‌های دوره قاجار

۱۳۶عقدنامه

عقدنامه‌های دوره افشاریه

۵عقدنامه